

مروری بر ائتلاف و اتحاد های سیاسی

سیروان هدایت وزیری

رهائی از تشدد و پراکندگی احتیاج به بازنگری دارد. سماجت بر روی مسئله ای که قبلا روی داده است نه تنها هیچ کمکی نمی کند بلکه اعتبار چپ را روز به روز کمتر می کند و هیچگونه کمکی به حل مشکلات کنونی جنبش مترقی ایران نخواهد نمود. تازه زبان آور هم هست. از این نظر وحدت عمل باید بر پراکندگی و تشتت غلبه کند. مسئله بر سر تقویت حرکت های جدی برای دموکراسی و در عین حال صف مستحکم علیه دیکتاتوری حاکم بر جامعه ماست .

در رابطه با سازمان اکثریت این مسئله مطرح است که آنان در گذشته اشتباهات تاکتیکی و نظری در ضدیت با اهداف ارتجاعی جمهوری نموده اند اما امروز نباید آن اشتباهات را به حسابشان واریز نمود زیرا که این سازمان اکنون چه در عرصه های عمل و چه در برنامه خود نشان داده است که تمایل اساسی در شرکت در صف نیروهای جنبش مترقی علیه ارتجاع حاکم بر ایران دارد. چرا نباید از این تمایل استقبال نمود تا بدینوسیله صف انقلاب گسترده تر و محکم تر گردد؟ اگر مسئله اکثریت را مودد بررسی قرار دهیم این سازمان به لحاظ حقوقی و قضائی قاتل نیست بلکه باید از لحاظ نظری گذشته آنان را مورد قضاوت قرار داد. به هیچ وجه نباید بر روی نظرات و گرایشات متفاوت فکری برای همیشه خط بطلان کشید. اما ما به لحاظ تاریخی به مکانیزم های دولت بلشویکی روسیه در سالهای بعد و قبل از انقلاب نظر بیافکنیم به این مسئله خواهیم رسید که حذف فیزیکی و با نظری مخالفین چه ضرباتی به جنبش مترقی خواهد زد. خطای دولت بلشویک ها این بود که برای همیشه روی منشویک ها خط بطلان کشیدند و اساسا آنان را به خاطر نظراتشان بعنوان مرتد و ضد انقلاب از صحنه سیاست جامعه روسیه حذف نمودند. جنبش مترقی جامعه ما باید از این تجارب درس بگیرد و نگذارد که این اشتباهات تکرار شود و باید حساب شده با مخالفین خود برخورد نماید و هیچگاه تابع مطلق گرائی نباشد. ما باید از اهرم ها و مکانیزم های اتحاد و ائتلاف نیروها . احزاب اروپائی درس بگیریم. این احزاب برای جلوگیری از انشقاق جامعه ترجیح می دهند حدودا از برخی از مواضع خویش عقب نشینی نمایند تا به این وسیله بتوانند به دیگران نزدیک شوند. این مسئله درست عکس آن روندی است که در باره نیروهای مترقی ایرانی صادق است. این کاملا روشن است که پراکندگی و تشتت پتانسیل و انرژی جنبش مترقی را هدر داده و مانع حرکت آن می شود. در حال حاضر فعالیت نیروهای مترقی چه در عرصه نظری و چه در عرصه عملی تأثیرات تائین کننده در جامعه ایران را ندارد. وضعیت کنونی جامعه ما سیلی از نیروهای سیاسی مترقی را بوجود آورده است که باید در یک جهت جریان یابد. در این خصوص باید منافع مشترک مابین نیروهای مترقی در جهت دموکراسی و رفاه اجتماعی بر تمامی اختلافات مابین آنها سنگینی کند. تا حدی که مرز اختلافات شکسته و در نظر افکار عمومی جامعه ما نیروهای مترقی بصورت یک مجموعه واحد جلوه گر شوند. جنبش فدائی هم نیز از این قاعده جدا نیست. از این رو باید حتما مسئله اتحاد و ائتلاف های درون طیف فدائی را دنبال نمود تا بدینوسیله این طیف بتواند در تحقق شعارها برای تغییر جامعه ما نقشی تائین کننده داشته باشد.

مجموعه طیف فدائی دارای گذشته ای مشترک است و هر کدام به شکل های مختلف خود را میراث دار آن گذشته می دانند. ولی استنباط های نظری از بهره وری از میراث گذشته متفاوت است. در حقیقت این تفاوت های نظری آنقدر بالاست که هنوز روند شکل گیری یک تشکیلات واحد در طیف فدائی متصور نیست. با این وجود اقدام جدی در کسب رویش یک صف آرائی گسترده درون جنبش مترقی جامعه ما محتمل است. شکل گیری تشکیلات اتحاد فدائیان خلق خود نقطه آغازی برای نزدیکی این طیف شد و مسئله ای مثبت است. در واقع نقطه آغازی برای یک عمل جدی در چارچوب یک تشکیلات واحد شد. بنظر من این روند نباید تحت شعار های رادیکال مسدود گردد. بلکه باید راهی منطقی و گسترش دهنده را پیمود تا فضای جدید تری در جنبش ما بوجود آید. بی شک اقدام عملی برای اتحاد در درون تشکیلات های فدائی ، جنبش اقدام برای استقرار دموکراسی و تشکیل یک جامعه دموکراتیک در ایران را مستحکم تر می نماید و همچنین راه را برای اتحاد های وسیع تر باز می کند. اگر سازمان ها و گروه ها تحت هر عنوان خود را به جنبش فدائی متعلق می دانند و واقعیت های جامعه را می بینند و همچنان بر مواضع خودی و در عین حال صوری پافشاری می کنند، از حرکت های جامعه برای دموکراسی و رفاه اجتماعی باز خواهند ماند و در نهایت به گروه هائی تبدیل می شوند که مردم جامعه ما روی آنان هیچ حسابی دال بر اینکه نیروئی تحول گر باشند نخواهند کرد. ادامه دارد

وضعیت و تحولات د رونی جامعه ما ایجاب می کند که بر سر مسئله اتحاد و ائتلاف های سیاسی باز تاکید بیشتری شود. تاکنون برنامه های بسیاری برای اتحاد ها و ائتلاف ها از سوی نیروهای سیاسی ارائه گشته است اما مکانیزم عملی این برنامه ها با توجه به روحیه غالب بر نیروهای مترقی همواره به بن بست رسیده است. کم نیستند نیروهائی که برای ارائه برنامه برای اتحاد و ائتلاف ها پیش قدم شده اند، اما خود در دامن سکتاریسم افتاده و حتی به برنامه خودشان و مکانیزم های عملی آن پایبند و وفادار نبوده اند. این مسئله را چگونه می توان تحلیل نمود. آیا جنبش با بحران رهبری و تشکیلاتی مواجه است؟ و یا خصوصیات جنبش مترقی جامعه ما تولید و باز تولید چنین مکانیزمی است. کثیری از سازمان و گروه ها ایجاد شده اند و با ارائه برنامه برای ائتلاف اعلام موجودیت نموده اند، اما برنامه های آنها تماما در محتوا مشابه بوده اند. با این وجود آنها همواره تلاش نموده اند که هر یک به نحوی برنامه های خویش را با شور و هیجانی فراوان برای افکار عمومی جامعه منعکس نمایند. ولی در حقیقت هیچ تغییری در وضعیت کنونی به وجود نیاورده اند و این مسئله دال بر ناکافی بودن عرصه های عملی اتحاد و ائتلافات است. حقیقتا هم آنها هنوز به این نتیجه نرسیده اند که برای اینکه عرصه برای قدمهائی به جلو باز شود باید در ابتدا چند قدم عقب گرد نمود. اکثر سازمانها به این نتیجه رسیده اند که برنامه و عملکردشان در راستای تحولات جامعه است بدون اینکه این قضیه را سنجیده باشند که بطور عینی بخطا رفته اند. بازتاب این خطا ها در بن بست حرکت های عملی برای تحولات جامعه و انزوای هر یک از این سازمانها در مشارکت در مبارزات مستقیم توده های مردم جامعه ایران و نیز شقه شقه شدن آنان به بخش های کوچک می باشد .

سازمان ما با درک این خطا ها می رود تا در کنگره خود مسائل را بررسی نموده تا بدین وسیله بتواند زنده تر در تلاطمات پی در پی جامعه کنونی ما دخالت گر باشد. کنگره سازمان در پیش است و یکی از برنامه های مورد بحث کنگره بحث اتحاد و ائتلاف هاست. تا کنون در نشریات سازمانی و در کنگره های گذشته به اهمیت مسئله اتحاد ها و ائتلاف ها سیاسی اشاره شده است و چه بسا انرژی فراوانی روی این مسئله حذف شده است. ولی باید تاکید نمود که کنگره هفتم سازمان به لحاظ شرایط ویژه جامعه ایران و صف آرائی سیاسی نیروهای موجود در جنبش و همچنین تغییرات نظری و عملی برخی از سازمانهای نزدیک به سازمان اتحاد فدائیان از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد .

روشن است که کنگره سازمان در مورد چگونگی همکاری و ائتلاف با سازمان اکثریت بحث قابل توجه ای را در دستور کار خود قرار خواهد داد و در نهایت این کنگره زمینه های ائتلاف با اکثریت را با توجه به تمایل این سازمان و بلاعکس فراهم خواهد نمود. لذا با توجه به این نوع انتظارات کنگره باید مشخص کند که سازمان اکثریت چه پتانسیلی را در همکاری و اتحاد با سازمان دارد و در عین حال سازمان ما تا چه حدی مسئله اتحاد و ائتلاف با اکثریت را جدی گرفته و با این سازمان ائتلاف خواهد کرد.

اگر به شمائی از نظرات مطرح شده در سازمان نظری بیافکنیم، نشان می دهد که سازمان ما در مواردی با سازمان اکثریت همکاری عملی دارد و اکثرا اعلامیه هائی در موارد مشخص مشترکا امضا می کنند. این مسئله خود نمود مقدمات همکاری بیشتری را در ائتلاف به وجود آورده است. بی شک مسئله ائتلاف با سازمان اکثریت به مزاج بخشی از نیروی سنتی چپ نیست و این در حالی است که آنان سازمان اکثریت را بعنوان یک نیروی ضد انقلابی به حساب می آورند و همکاری و نزدیکی با اکثریت از نظر آنان به مثابه تقویت صف بورژوازی است. در هر صورت آنان چه قضاوتی را در این مورد دارند ، بحث ما در این مقاله نیست بلکه بیشتر نظر پرنسیب ائتلاف با اکثریت مورد نظر است. سازمان ما هیچگاه از اتحاد و ائتلافات هراسی نداشته است و همواره در اقدامات عملی این امر را نشان داده است. از سوی دیگر خود را هیچگاه در حصار سکتاریسم نینداخته است. بر هیچ کس پوشیده نیست که مرزهای سکتاریسم در سازمان ما مدتها است که شکسته شده است. هیچ سازمانی بخودی خود گسترش پیدا نمی کند و در این راه حتما باید به اطرافیان خود تکیه کند . در هر صورت جنبش مترقی برای